

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

الحمد لله الذي جعل الحمد مفتاحاً لذكره
وخلق الأشياء ناطقة بحمده وشكره والصلوة والسلام
على نبيه محمد المشتق اسمه من اسمه المحمود
وعلى آله الطاهرين أولى المكارم والجود

تقديم به:
الإمام الهمام محمد بن علي الجواد عليه الصلاة و السلام

مقدمه‌ای بر

تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی

تألیف:

دکتر سید‌الحمد هادی گرامی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

با مقدمه:

دکتر احمد پاکتچی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

تنظیم و برشی افزوده‌ها:

علیرضا دهقانی



معونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی
پژوهشکده قرآن و عترت



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیهم السلام

عنوان: مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی

مؤلف: دکتر سید محمد‌هادی گرامی

مقدمه‌نویس: دکتر احمد پاکچی

تنظيم و برخی افزوده‌ها: علیرضا دهقانی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی

ویراستار، صفحه‌آرا: رضا عبداللهی

طرح جلد: محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چایخانه انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۱۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۶۱۵-۱

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹ کد پستی: ۸۸۳۷۰ ۱۴۲ تلفکس: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱

E-mail: press@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir

سرشاسمه: گرامی، سید محمد‌هادی، ۱۳۶۰-

عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری اندیشه‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی / تالیف سید محمد‌هادی گرامی؛ با مقدمه احمد پاکچی؛

تنظيم و برخی افزوده‌ها: علیرضا دهقانی

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، انتشارات: دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکده قرآن و عترت (ع)، ۱۳۹۶ و.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

شابک: ۲۳۴-۶۱۵-۱ ۷۸-۶۰-۲۱۴-۶۱۵-۱

موضوع: تاریخ نویسی اسلامی

موضوع: شیعه — تاریخ نویسی

شناسه افزوده: پاکچی، احمد، -، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: دهقانی، علیرضا، -، ویراستار

شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی

شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکده قرآن و عترت (ع)

رده بندی کنگره: DS ۲۵ ۶/۵۴ م ۱۳۹۶

رده بندی دیجیتی: ۹۰۰۷۲-۱۷۶۷

شماره کتابخانه ملی: ۵۰۷۲۵۹۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفات ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۵
مقدمه دکتر احمد پاکتچی.....	۷
پیشگفتار.....	۱۱
فصل اول: درآمد و چشم انداز مطالعات تاریخ اندیشه.....	۱۷
۱. فقدان ادبیات روش‌شناسی در زمینه تاریخ اندیشه اسلامی.....	۱۷
۲. تبارشناسی تاریخ اندیشه در غرب.....	۲۱
۳. جایگاه محوری کوئیتن اسکندر در مطالعات تاریخ اندیشه غرب.....	۲۳
۴. مفهوم «تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای».....	۲۹
۵. تاریخ اندیشه به مثابه روش: از ترجمه فرهنگی تا ترجمه فرهنگ‌نامه‌ای.....	۳۳
۶. «تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای» به مثابه مکتبی نوپا در ایران.....	۳۹
۷. پیچیدگی و عمق تاریخی گری در تاریخ‌نگاری انگاره و اندیشه.....	۴۷
۸. اهمیت مطالعات تاریخ اندیشه و کمبودهای مطالعات سنتی.....	۵۱
۹. موانع توسعه تاریخ اندیشه.....	۵۵
۱۰. دشواری‌های تاریخ اندیشه به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای.....	۵۹
فصل دوم: نگرش کلامی و نگرش تاریخی.....	۶۳
۱. کرانه‌های تلاقی کلام و تاریخ اندیشه.....	۶۳
۲. تعارض کلام و تاریخ: تفکیک تعارض به اجزای آن.....	۶۶
۳. تاریخ‌نگاری اندیشه و بروز رفت از چالش کلامی و دغدغه «أصلالت الھی»....	۷۲
۴. تاریخ‌نگاری اندیشه و پیش‌فرضهای کلامی	۷۶

۲ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

۵. ارزش‌داوری و تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی ۷۸
۶. پدیدارشناسی و امکان تاریخ‌نگاری اندیشه فارغ از پیش‌فرض‌های کلامی ۸۰
فصل سوم: نقد بیرونی در تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای ۸۵
۱. نقد بیرونی و نقد درونی ۸۵
۲. ماهیت گزاره‌ها و مواد تاریخی در نقد بیرونی ۸۶
۳. تفاوت نقد بیرونی با روش‌های سنتی اعتبارسنجی در علوم اسلامی ۸۹
۴. نقد بیرونی به مثابه نقد بروون نسخه‌ای: کتابخانه‌ای، مؤلف محور و نسخه محور ۹۳
۵. نقد بیرونی به مثابه نقد درون نسخه‌ای: گزارش‌های تکصدا، چندصداو تاریخ‌گذاری آنها ۹۵
۶. نقد بیرونی گزارش‌های شکل‌گیری مکتب قم به مثابه یک نمونه ۹۷
فصل چهارم: نقد درونی در تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای ۱۰۳
۱. بر جستگی و اهمیت نقد درونی در تاریخ اندیشه ۱۰۳
۲. نقد درونی به مثابه توصیف و تفسیر ۱۰۴
۱-۱. تاریخ‌گذاری انگاره‌ها و بررسی روند تطور آن ۱۰۵
۱-۲. تاریخ‌گذاری گفتمان‌ها و بررسی روند تطور آنها ۱۱۰
۳. نقد درونی به مثابه تبیین ۱۱۴
۱-۱. جریان‌شناسی تاریخی ۱۱۴
۱-۱-۱. اهمیت جریان‌شناسی در تاریخ اندیشه ۱۱۴
۱-۱-۲. سابقه مطالعات جریان‌شناسی و مفهوم آن در غرب ۱۱۵
۱-۱-۳. مفهوم جریان، جریان‌شناسی و جریان‌سازی در تاریخ‌نگاری اندیشه ۱۱۹
۱-۱-۴. نمونه مفهوم «جریان تاریخی» برای تحلیل سرآغاز تشیع ۱۲۴
۱-۱-۵. جریان‌شناسی و تحلیل سه‌سطحی گزارش‌های متعارض تاریخی ۱۲۷
۱-۱-۵-۱. تحلیل سه‌سطحی گزارش‌های متعارض درباره محمد بن اورمه قمی ۱۳۰
۱-۱-۶. جریان‌شناسی و زاویه دید: انگاره‌های اخباری، اصولی و تفکیکی ۱۳۶

فهرست مطالب ۳

۱۴۳	۲-۲. طرحواره تاریخی
۱۴۳	۱-۲-۳. طرحواره تاریخی کاملترین مرحله در یک تبیین تاریخ اندیشگانی ...
۱۴۷	۲-۲-۳. پیش فرض های کلامی و طرحواره های تاریخی.....
۱۴۹	۳-۲-۳. دو الگوی رایج تأثیر نگره های کلامی بر طرحواره های تاریخی ..
۱۵۱	۴-۲-۳. کاستن تأثیر نگره های کلامی بر طرحواره های تاریخی
۱۵۵	فهرست منابع و مأخذ
۱۵۵	الف. منابع به زبان های فارسی و عربی
۱۶۸	ب. منابع انگلیسی و آلمانی
۱۶۹	ج. نرم افزارها
۱۷۱	نمایه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَارُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکہ النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (ع) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی متعهد، باقیوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزریقیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (ع) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده

۶ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیست خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکا به تأییدات الهی و تلاش همه جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علی‌الله‌آل‌هی‌و‌اصح‌الحمد) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علی‌الله‌آل‌هی‌و‌اصح‌الحمد) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (انشاء‌الله).

ولله‌الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه دکتر احمد پاکتچی^۱

تاریخ انگاره دیرزمانی نیست که به محافل اندیشه و پژوهش راه یافته، ولی در همین بازه زمانی راه خود را به خوبی بازگشوده و با استقبال قابل توجهی رویه رو شده است. به خصوص در چند دهه اخیر، شرایط جهانی اندیشه و مطالعه، نیاز به تاریخ انگاره بیش از پیش احساس شده و مسیر آن پرشتاب تر شده است. همانند هر شاخه دیگر از پژوهش علمی، از آلمان تا ایالات متحده و از اسکاندیناوی تا ایران، درک‌های متعددی از تاریخ انگاره و نسبت آن به شاخه‌های دیگر پژوهش با نام‌های تاریخ اندیشه یا تاریخ مفاهیم وجود دارد، ولی در این معركه آراء شایسته است به جای مصادره کردن اصطلاحات دیگران، معنای مورد نظر خود را منقح سازیم. آنچه در تعریف ما از انگاره مورد نظر است، تصویرهایی ذهنی است که دو خصوصیت مهم در آن وجود دارد: نخست آن که اجتماعی است و از ساخت فردی کاملاً بیرون رفته است و دیگر آن که حاصل یک فرآیند است که از تاریخت برخوردار است. مقصود فرآیندی که انگاره از شکل‌گیری نخستین تا رسیدن به حد یک تصویر ساخت یافته طی کرده است، هر چند آن شکل نخستین، خود گسستی از یک انگاره پیشین باشد و هرچند آن انگاره ساخت یافته کنونی خود در معرض تغییر و راه جستن به انگاره یا انگاره‌های دیگر باشد. مانند هر امر تاریخی دیگر، در اینجا نیز سخن از شبکه‌ای از روندها و رخدادهایی که الزاماً از حرکتی آرام و تدریجی برخوردار نیستند که بتوان با شنیدن آغاز و فراز و انجام داستان، همه قصه را بازسازی کرد. تاریخ هر لحظه آبستن رخدادهایی است که یک تغییر و ورود به یک دوره جدید را رقم می‌زند.

باری، آن گونه که گفته شد، انگاره یک امر اجتماعی - تاریخی است و به همین سبب، مانند دیگر امور اجتماعی جنبه عینی در آن قوی است؛ به تعبیر دیگر نقش

۱. این مقدمه پیشتر در کتاب: گرامی، سید محمد‌هادی (۱۳۹۶)، نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه: رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق (علیهم السلام)، آورده شده است ولی به دلیل ارتباط مستقیم آن با محتوای کتاب حاضر و با رضایت نویسنده، در اینجا نیز آورده شده است.

۸ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

پژوهشگر در ارتباط با آن از مقوله کشف و نه تعریف خواهد بود، برخلاف مفاهیم که بسیار اوقات حاصل یک خلاقيت ذهنی اند و کاملاً می‌توانند فردی و تازه تأسیس باشند. انگاره با باور منطبق نیست، چون جنبه فردی و روانشناختی در باور شاخص است و دقیقاً اندیشه هم نیست، چون اندیشه و فکر، کاربری قوه عاقله و استدلال در ساماندهی به معلومات برای رسیدن به پاسخ مجهولات است و در شرایط خودآگاهی اتفاق می‌افتد و همچنان می‌تواند فردی و خلاق باشد. با این حال، انگاره نباید کرد که هم حوزه بالور و هم حوزه اندیشه با حوزه انگاره همپوشانی دارند و همین امر زمینه تأمل‌ها در باره نسبت تاریخ انگاره با تاریخ اندیشه و تاریخ ادیان را فراهم می‌سازد.

به هرروی به نظر می‌رسد فراسوی این تأملات که گاه به مناقشه نیز می‌انجامد، باید به تاریخ انگاره اجازه داد تا در مسیر خود پیش رود و بتواند آن خلاهای معرفتی را پوشش دهد که شاید حوزه پژوهشی دیگری قادر به انجام آن نباشد. به خصوص اهمیت تاریخ انگاره زمانی بیشتر آشکار می‌شود که از خود پرسیم آیا اصولاً مطالعه انگاره‌ها بدون نگاه تاریخی و طرز فکر تاریخی امکان‌پذیر است؟ پاسخ ما به این پرسش البته منفی است. برخی از فیلسوفان معاصر بر این باورند که پژوهش فلسفه چیزی جز پژوهش تاریخ فلسفه نیست، ولی اگر پشت صحنه فلسفه، اندیشه است که می‌تواند فردی و خلاق باشد و فضایی برای تفلسف وجود داشته باشد که با جنبه‌های خلاق فردی گره خورده باشد، چنین شایه‌ای در باره انگاره به عنوان امری اجتماعی و تاریخی وجود ندارد.

انگاره چنان که تعریف کردیم ماهیتاً تاریخی است و در کارکرد اجتماعی خود، قدرت تاریخی‌اش را به کار می‌گیرد؛ پس کاوشن آن نیز به نحو اجتناب‌ناپذیری تاریخی باید باشد. با توجه به این توضیح، در یک نگاه درجه دوم، تاریخ انگاره بیش و پیش از آن که به عنوان یک روش پژوهش به کار گرفته شود، یک طرز فکر و آئین اندیشه‌ورزی است.

اکنون جا دارد تأملی هم در باره موضوع تاریخ انگاره داشته باشیم. تاریخ انگاره در ماهیت خود یک مطالعه تاریخی است، هر چند بیشتر پدیدآورندگان آن فیلسوف بوده‌اند. این حوزه پژوهشی به تناسب سنخ موضوع تاریخی است و چاره‌ای جز در پیش گرفتن الگوهای عمومی تاریخ پژوهی ندارد، روندی که به طور روزافزون در تاریخ انگاره قابل مشاهده است. موضوع تاریخ انگاره همچون هر حیطه دیگر از مطالعات تاریخی، دگرگونی و تغییر است و انگاره‌ها همانند هر امر تاریخی دیگر باید در یک نسبت چندزمانه به بحث نهاده شوند.

در نگاه تاریخی، مقایسه زمان t -با $t+10$ همیشه محور اصلی مطالعه است و تاریخ انگاره نیز از این قاعده مستثنای نیست؛ ولی غالب آنان که از سده ۱۹ میلادی به

سراغ نگاه تاریخ انگاره و تاریخ مفاهیم رفتند، هدف شان آن بود که انگاره‌های ساخت یافته و مفاهیم شکل گرفته در دوره معاصر را با ریشه‌های آن مقایسه کنند و نهایتاً بتوانند تصویر روشن‌تر و عمیق‌تری از آن امر ارائه کنند. از نگاه آنان انگاره و مفهوم در عصر حاضر حاصل انباشت یک ذخیره و سابقه تاریخی است و نگاه تاریخی می‌توانست ابزاری باشد برای تحلیل این مفهوم انباشته و بازشناسی یک‌یک لایه‌های تاریخی که نهایتاً به شکل‌گیری این انگاره و مفهوم معاصر منجر شده‌اند.

در پیشینه تاریخ انگاره، این شیوه مطالعه چنان که اشاره شد مسیری بود که می‌توان شروع آن را از محیط‌های فلسفی سراغ گرفت و سپس گسترش آن را در حوزه‌های علوم مختلف بازجست. در این گونه مطالعات، t0 زمان حاضر است که باید با گذشته t_1 - سنجیده شود و با این مبنای پرداختن به t_1 مصدق آینده‌پژوهی و خروج از بحث تاریخی است.

در برخی از حوزه‌های مطالعاتی - از جمله مطالعات اسلامی شرایط قدری متفاوت است. آنجا که چیزی به عنوان "اصل" (fundamental) می‌تواند مهم باشد. اگر در این نگاه اصل محور، آن اصل نوعی تأسیس فرض شود، به عکس آنچه در بالا گفته شد، t_1 در آنجا نقطه تأسیس است، t_1 وجود ندارد یا اهمیت ندارد و تنها t_1 مطرح است که با عرضه به اصل، ارزش آن سنجیده می‌شود. نگاه انگاره‌ای بنیادمحور در واقع مانند یک چشم، انگاره را از سرچشمه آن تا دوره‌های بعد دنبال می‌کند، در حالی که نقطه تمرکز مطالعه آن بر زمان بنیادگذاری است.

به طور معمول در مطالعات دینی اسلام، این دو نوع مطالعه دیده می‌شود؛ در مطالعات سنتی مثلاً فقه فقط دو چیز مهم بوده است: فتوای فقیه زنده چیست t_1 - t_2 و این که در نصوص دینی چه گفته شده است، یعنی t_1 - t_2 .

مطالعات خاورشناسی نیز به این دو گروه قابل تقسیم است: سنت خاورشناسی نگاه اصل محور به شناخت اسلام داشت، منابع کلاسیک مانند آثار کائانی و گلدنبرگ به دنبال آن بودند که بدانند اصل اسلام چه سخنی برای گفتن داشته است؟ خاورشناسی معاصر در مقابل، بیشتر توجهش به اسلام در عصر حاضر (Islam in practice) است و معنای این نگرش آن است که اسلام در زمان مدرن محور مطالعه است و رجوع به گذشته اهمیتی ندارد.

آنچه گفته شد چه در باره عالمان مسلمان سنتی و چه در باره خاورشناسان از سخن تاریخ انگاره نیست؛ در آنها فقط یک زمان ملحوظ و زمان دیگر ناملحوظ است. موضوع زمانی صورت تاریخ انگاره پیدا می‌کند که دست کم سه مقطع زمانی t_1 - t_2 و t_3 وجود داشته باشد. وجود چنین ظرفیتی در تاریخ انگاره، این امکان را به وجود آورده

۱۰ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

است که نقطه‌هایی میان صدر اسلام و عصر حاضر از نظر بار مفهومی انگاره‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. می‌توان ادعا کرد پیش از رواج روش‌های تاریخ‌نگاره چنین امکانی - دست کم به صورت برنامه پژوهشی نظاممند - وجود نداشته است.

در نگاه تاریخ‌نگاره، زمان‌های میانی بسیار مهم‌اند، از آن رو که روندهای تغییر بسیار مهم‌اند و نباید نادیده گرفت که این طرز اندیشه، ارزش‌دهی به مراحل و دستاوردهای هر مرحله را نیز به همراه دارد که خود راهی مهم و کارآمد برای حفظ پیوست نسبت به سنت‌های دینی و پرهیز از افتادن در دام بنیادگر ای بایست. در واقع نگاه تاریخ‌نگاره‌ای در مطالعات دینی این امکان را فراهم آورده است که بتوان به جای یک نگاه بنیادگر که برداشت‌های فردی عصری را مقدس‌سازی می‌کند، یک نگاه تحول‌گرا و ارزش‌گذارنده به سنت‌ها و پیشینه‌ها را جایگزین ساخت. برخی از مرجع‌های دینی تندرو - به خصوص از سلفیه - در عصر حاضر اصرار دارند ادعا کنند که باور آنان در خصوص دین، بسیار کاست همان باور عرضه شده در نصوص دینی در صدر اسلام است و در این مسیر پرهیزی ندارند از این که ادعا کنند فهم‌های دیگر تخطی از انگاره‌های اصیل اسلام است. در مقابل، آنان که گرایش عصری افراطی داشتند، ضرورت نمی‌دانند برای نگرش عصری خود سابقه‌ای بجویند و با مطرح کردن عناصر فرماتی مانند عقل یا عرف این نقصیه را جبران می‌کرند. البته گفتنی است در این میان دیدگاهی که بر اجتهد تکیه دارد، اما قائل به نظریه «تخطیه» است - مانند دیدگاه مشهور امامیه - می‌تواند به یک حد وسط، یک نقش اعتدالی را ایفا نماید و از هر دو آسیب به دور باشد.

به‌هرحال، الگوی تاریخ‌نگاره شرایط مناسبی را فراهم آورده است که نه تنها به عنوان یک روش، بلکه به عنوان یک مبنای اندیشه، سیر تحول یک انگاره با لحاظ عرف، جامعه و عقلانیت جمعی و نسبت آن به سرچشمه‌های تاریخی - از جمله نصوص - دنبال شود. بدون این که بخواهیم همه مطالعاتی که از طریق تاریخ‌نگاره انجام شده را به طور عصری مورد تأیید جزء به جزء قرار دهیم، باید ادعا کنیم که تاریخ‌نگاره چنین امکانی را در فضای مطالعات دینی پدید آورده است که بتوان از آن الگوی دووضعیه یاد شده عبور کرد و نگاه‌های افراطی را با نگاه‌های تاریخمند که به بافت اجتماعی هم در مسیر مطالعه و هم در مسیر شکل‌گیری انگاره اهمیت می‌دهد، جایگزین نمود. با توجه به آنچه در باره تفکر اجتهادی با مبنای تخطیه به عنوان حد وسط گفته شد، دور نیست اگر گفته شود تاریخ‌نگاره، با این دیدگاه بیشترین تناسب و سازگاری را دارد.

دکتر احمد پاکتچی

بهمن ۱۳۹۶

پیشگفتار

مطالعات تاریخی و تاریخ پژوهی ادیان گوناگون به ویژه دین اسلام و آیین تشیع از دیرباز میان دانشوران فرهنگ و تمدن اسلامی رایج بوده و حجم قابل توجهی از میراث مکتوب اسلامی منخطوط و مطبوع را تشکیل می‌دهد. در این زمینه آثاری تحلیلی به رشتہ تحریر درآمده که از حیث تبع گزارش‌ها و بررسی و واکاوی آنان گاه چنان از دقت و اتقان برخوردار است که شگفتی پژوهشگران را بر می‌انگیزاند و گاه بدون توجه به فضای نقل آن گزارش‌ها و غفلت از انصباط منقول با زمان نقل و آسیب‌های دیگر، بر انباری از سخنان سره و ناسره فراهم آورده است. ابزارهای نقد تاریخی کلاسیک از دیرباز وجود داشته و امروز نیز مورد استفاده اندیشمندان اسلامی قرار می‌گیرد. اما ظهور تاریخ پژوهی نوین در قرن هجدهم در غرب، فصل جدیدی از نگاه به تاریخ را در میان غربیان آغاز کرد و آن را در سراسر جهان گستراند و کار بدانجا رسید که برخی از خاورشناسان با استفاده از روش‌های جدید در مطالعات اسلامی حتی در اصل پیدایش اسلام یا تشیع تردید کردند. انتشار آثاری از این دست یا مشابه آن، حساسیت جهان اسلام را برانگیخت و موجی از نقدنویسی بر دستاوردهای مغرب‌زمین را ایجاد کرد.^۱ امروز نیز اگرچه حتی در برخی آثار مطرح غربی به منابع دست‌اول شیعی گاهی بی توجهی می‌شود،^۲ اما بی‌طرفی نسبت به تشیع و مراجعت به منابع اصیل برای

۱. برای مثال پس از انتشار کتاب تاریخ قرآن نولدکه در جهان اسلام، قرآن پژوهان بسیاری بر آن نقد نوشتند. نک: رحیمی ریسه، «تاریخ قرآن نولدکه...»، ص ۲۱.

۲. برای مثال اثان کلبرگ شیعه‌پژوه سرشناس در مقاله «از امامیه تا اثنی عشریه» خود برای مؤذنیابی این سخن که نظریه امامت در شیعه امامیه نخستین بار توسط هشام بن حکم صورت معینی

۱۲ □ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

تاریخ‌نگاری وضعیت بهینه‌تری تا گذشته یافته است. باری، همان‌طور که دانش در زمان به پیش می‌رفت، اندیشمندان مسلمان خود را بیش از پیش در معرض منشوراتی دیدند که بیرون از مرزهای اسلام عرضه می‌شد. آنان به تدریج برخی از این شیوه‌ها را نه در جهت رد و انکار که در جهت اثبات منشأ قدسی و الهی آین خود به کار می‌بردند. استفاده از این مفاهیم و روش‌ها برای هر دو سویه، فرصت گفتگو و بازاندیشی درباره پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه را فراهم می‌ساخت.

یکی از این شیوه‌های نوین چیزی است که از آن به «تاریخ اندیشه» تعبیر می‌شود.^۱ با شکل‌گیری تاریخ اندیشه و گسترش آن در پهنه‌ای رشته‌های گوناگون علوم انسانی، خاورشناسان و شیعه‌پژوهان از آن برای تحقیق در اندیشه‌های شیعی استفاده کردند. کاریست تاریخ اندیشه در شیعه‌پژوهی یکی از حوزه‌های نوپدید در مطالعات تاریخی خاورشناسان و شیعه‌پژوهان در آکادمی‌ای غرب به شمار می‌آید. چنان که خواهد آمد، هنوز ادبیات روش‌شناسانه‌ای از سوی بنیانگذاران و پدران معنوی این حوزه وجود ندارد و بسیاری از آنچه به عنوان مبانی یا کلیات تاریخ اندیشه در آن دیار نگاشته می‌شود با آنچه در اینجا به دنبال آن هستیم ارتباطی ندارد، بنابراین با رسته‌ای از مطالعات فکری و علمی مواجهیم که سخن گفتن از نهادینگی بومی آن در جهان اسلام و به طور خاص ایران دشوار می‌نماید. اثر حاضر در ادامه تأملاتی فکری صورت پذیرفته است که از حدود یک دهه پیش متأثر از انتشار کتاب مکتب در فرایند تکامل اثر دکتر سیدحسین مدرسی طباطبائی و برخی نوشه‌ها و درس‌گفتارهای دکتر احمد پاکتچی نضج گرفت. این اثر می‌کوشد تا با استفاده از دستاوردهای تاریخ اندیشه، جریان‌شناسی، گفتگویانه و... در مغرب زمین از آن برای واکاوی تطور اندیشه‌های کهن اسلامی بهره جوید. طبعاً همان‌طور که از نام آن پیداست،

یافت، به مقاله هشام بن الحكم مادلونگ ارجاع می‌دهد نه آنکه سخنی از شخص هشام یا معاصرین وی دال بر این ادعا ذکر نماید.

(see: Kohlberg, "From Imāmiyya to Ithnā-'ashariyya", p. 521)

۱. در ادامه همین کتاب به تفصیل در خصوص این مفهوم و مفاهیم مشابه آن سخن خواهد رفت.

مقدمه‌ای است در این زمینه و پای نهادن در راهی است که چندان از تولد آن در جهان فکر و فرهنگ اسلامی و ایرانی نمی‌گذرد. این اثر می‌کوشد تا ادبیات و چارچوب‌های نانوشته و پراکنده موجود در مطالعات مذکور را به زبانی آکادمیک سامان بخشد. به این منظور منطقی می‌نمود تا ابتدا مفهوم تاریخ اندیشه و معادل‌های آن در لاتین و برگردان‌های ارائه شده از آن در زبان فارسی معرفی و سپس پیشینه نوشت‌هایی با رویکرد تاریخ اندیشگانی ارائه شود. به نظر می‌رسد خواننده محترم در فصل نخست به خوبی درمی‌یابد به رغم آنکه اساتید و دانشجویان فعال در کالج‌های مطالعات اسلامی و خاورشناسی غربی امروز به تحقیقات قابل اعتنایی نسبت به تاریخ اندیشه‌های کلامی و جریان‌های حدیث‌نگاری نخستین دست یازیده‌اند، اما متأسفانه همچنان در تحلیل اندیشه‌ها به این شیوه، هیچ نمونه منقحی بر پایه تبیین روش‌شناسی رهیافت مزبور حتی در نوشت‌های خاورشناسان یافت نمی‌شود. از سوی دیگر، پیچیدگی و حساسیت مباحث طرح شده موجب پدیداری موانعی بر سر توسعه آن به چشم می‌خورد که در فصل دوم با عنوان نگرش کلامی و نگرش تاریخی به آن پرداخته شده است. بر این اساس، خواننده با کرانه‌های تلاقی تاریخ و کلام که یکی در مسیر توصیف و دیگری در راه ارزش‌داوری و هنجارمندی گام برمی‌دارد، آشنا شده و تصویری از تعارض‌های احتمالی میان این دو گروه می‌یابد. پس از آن، تلاش می‌شود که راههایی برای برونو رفت از تعارض بدروی بررسی شود. سپس خواننده در رویایی با دو بخش کلان در تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای قرار می‌گیرد که یکی نقد بیرونی و دیگری نقد درونی نامیده شده است. با مطالعه بندهای نخست هر یک از این دو فصل اذعان می‌شود نقد بیرونی و نقد درونی به مفهوم عام خود میان اندیشمندان اسلامی بیگانه تلقی نمی‌شده است، بلکه سخن در اینجاست که گستره مطالعاتی این دو قسم از نقد با تاریخ اندیشه توسعه می‌یابد و تاریخ‌پژوه را از آفت خودکارشگی هرمنوتیکی می‌رهاند. به عبارت دیگر، تاریخ اندیشه این توان را

داراست که ابزارهای سنتی مطالعه متن و فرامتن را ابتدا ضابطه‌مندتر سازد و سپس امکانات مورخ را برای کاویدن نقاط روشن و تاریک گزارش‌ها مضاعف کند و آنگاه می‌توان از میان گزارش‌های انبوه در دسترس، به یافته‌هایی دست یافت که پیش از آن به خاطر خودکارشدگی بر ما معلوم نبودند و کشاکش شبکه‌های جریانی را به گونه‌ای بازسازی کرد که تاکنون بدان التفاتی نمی‌شد. این اثر نشان می‌دهد متومنی که تا امروز چیزی بیش از چند خط گستته از هم نبودند، به کمک رویکرد تاریخ اندیشگانی به لحاظ زمانی انسجام می‌یابند و رخدادها را به روندهایی معنادار تبدیل می‌کنند. برای نمونه و به طور مشخص، تاریخ اندیشه بر فهم گزارش‌های رجالی متعارض بسیار تأثیرگذار خواهد بود و پرده از راز گزارش‌هایی خد و نقیض درباره برخی از مهمترین رواییان و فقیهان اصحاب ائمه هدی (علیهم السلام) برمی‌دارد.

پاسخ به ابهامات و پرسش‌های فراوان در عرصه تاریخ اندیشه و نسبت آن با میراث مکتوب شیعه و اندیشه‌ها، گفتمان‌ها و جریان‌های موجود در آن دوره به تحقیقی انجامید که حاصل آن در چهار فصل تنظیم شده است. بخشی از دو فصل نخست با شکل و شمایلی خاص خود، پیش از این در لابالی چند مقاله و یک کتاب منتشر شد. فصل سوم و چهارم نیز بازنویسی، تتمیم و استدراک مباحثی است که به صورت درس‌گفتاری با عنوان تاریخ اندیشه امامیه در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۵-۹۶ برای جمعی از دانشجویان در دانشگاه امام صادق (علیهم السلام) ارائه شد و اکنون به محضر خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد. تمام تلاش بر این قرار گرفت که ضمن تدوین مطالب به بیانی شیوا و البته دقیق، انسجام مطالب و ارتباط مضامین هر فصل با فصل قبل و بعد خود رعایت شود. همچنین در هر جستار، به فرانخور مطلب، تحقیقات جدیدی که در این حوزه در دانشگاه‌ها و مراکز معتبر آکادمیک به انجام رسیده معرفی و از آن استفاده شود. همچنین در آنجا که پیشینیان با نکته‌سنجه و دقت مختص خود به اجمالی یا تفصیل مطالبی داشتند مراجعه و از آن‌ها وام گرفته شد. در مجموع، این پژوهش امیدوار است

افق یا افق‌هایی نو در گونه‌های مختلف مطالعاتی همچون شخصیت‌شناسی (رجال و تراجم)، کتابشناسی، نسخه‌شناسی، جریان‌شناسی اجتماعی و... بر علاقمندان این میدان بگشاید.

شایان ذکر است گوشاهای از منابع و مأخذ تحقیق حاضر در فهرست انتهای کتاب انعکاس یافته است. ممکن است برای ذهن خواننده گرامی در حین مطالعه اثر، منابعی متبادر شود که متناسب با مضامین آن بوده ولی در اثر از آن‌ها سخنی به میان نرفته است. برخی از آن منابع حتماً طی تحقیق به آن‌ها مراجعه شد، ولی در نهایت به خاطر آنکه هدف از این اشرکاری است در سطح پژوهشی درآمدگونه یا بدین جهت که صرفاً عنوان منبع با مفاهیم یادشده همخوانی داشته اما در واقع به آنچه در آن قرار گرفته‌ایم بی ارتباط به نظر می‌رسید، از آن‌ها نامی به میان نیامده است. البته حتماً مصادری وجود دارد که از آن‌ها غفلت شده است که در این صورت از راهنمایی نکته‌سنجان گرامی بهره خواهیم برد.

بنابر تمام آنچه گفته شد، این اثر به هیچ وجه به دنبال آن نیست که بر کوشش‌های مجلدانه پیش از خود خط بطلان کشد، بلکه در کمال احترام از دسترنج سترگ اندیشورزان پیشین تقدير می‌کند و آنگاه سعی بر این می‌نهد که با به کارگیری دستاوردهای نوین، در راستای فهم بیشتر و بهتر از گذشته خود حرکت کند و به قدر وسع و طاقت، گوشاهای از ظرفیت‌های نهفته در مطالعات میان‌رشته‌ای^۱ را در معرض دید علاقمندان و دانشجویان گرایش‌های مختلف مطالعات اسلامی به ویژه رشته علوم قرآن و حدیث و تاریخ قرار دهد.

در پایان از تمام کسانی که به نوعی در ثمربخشی این اثر ایفای نقش کردند تشکر و قدردانی می‌شود. امید است خوانندگان محترم به لغزش‌های این سیاهه به دیده خطأپوش بنگرند و کاستی‌های شکلی و محتوایی آن را نقد کنند و بازتاب دهند تا آثار پسین با عنایت حق تعالی با قوت و اتقان بیشتر عرضه شود. همچنین از جامعه محققان در عرصه‌های فقه، حدیث، کلام و فلسفه اسلامی و...

۱۶ □ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

تفاضا می‌شود این اثر را سرآغاز مسیری پرپیچ و خم و البته به زعم ما سودمند تلقی کنند و خود در این عرصه نوپیدا گام نهند و توسعه تحقیقات در این زمینه را سبب شوند. باشد که تمام این مساعی، مورد رضایت حق متعال قرار گیرد.

بمنه و کرمه، بهمن ۱۳۹۶